

## تحقیق؛

۱

دکتر سید فاضل میلانی

برادر بزرگوارم جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج آقای الهی خراسانی مطالبی فرمودند که امیدوارم تأثیر آنها در من، تأثیر روشها و ارزشها باشد نه توصیفهای شخصی؛ چون خودم را شایسته آنها نمی‌دانم، ولی وقتی صحبت از تواضع و یا جدیت می‌شود، ارزشهای والایی هستند که همه دوست دارند آراسته به آنها باشند.

یکی از نعمتهایی که همیشه خود را مدیون آن می‌دانم و خدا را شکر می‌گویم، اقامت سیزده‌ساله در جوار بارگاه ملکوتی حضرت رضی‌الله‌تعالی‌عنه و حوزه علمیه مشهد می‌باشد (از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۳). عنایات حضرت و دعا‌های پیرمردی خالص در راه علم و تقوا همچون مرحوم جد بزرگوارم رضوان‌الله‌علیه که کم و بیش دوستان از نزدیک یا دور با ایشان آشنایی

داشتند، از توفیقات من بوده است.

به هر حال، قبل از پرداختن به اصل بحث، به عنوان مقدمه، اشاره‌ای کوتاه به بخشی از فعالیت‌هایی که در خارج از کشور داریم، سودمند است.

تبیین اسلام راستین در اروپا به قدری ضرورت دارد که شاید تأسیس مدرسه عالی حسینی توسط مرحوم آیه‌الله العظمی میلانی در سال ۱۳۵۰، از عوامل و جرقه‌های نخستین آن بود. در این هفده سال (۶۶ تا الآن ۸۳) موفق شدیم یک مدرسه ابتدایی و یک دبیرستان پسرانه و دخترانه در انگلستان تأسیس کنیم که به اعتراف آموزش و پرورش آن کشور در دو سال اخیر، از بهترین مدرسه‌های خصوصی بوده است.

بد نیست این داستان را هم بشنوید که یک روز یک مرد مسیحی دو تا از فرزندانش را برای ثبت نام به مدرسه ما آورد؛ به او گفتم: می‌دانید که این مدرسه اسلامی است؟ گفت: آری؛ گفتم: می‌دانید که مادر اینجا به بچه‌ها قرآن و آداب اسلامی آموزش می‌دهیم؟ گفت: آری؛ از او پرسیدم: چرا این مدرسه را انتخاب کردی؟ جواب داد: چون در تربیت اسلامی، فرزندان را به گونه‌ای پرورش می‌دهند که بتوانند از بی‌بند و

۱- این موضوع حاصل یک نشست علمی در بنیاد پژوهش‌های اسلامی است که در جمع پژوهشگران توسط دکتر سید فاضل میلانی مطرح شده است.

باری فاصله بگیرند؛ مهم نیست که فرزندم قرآن یا انجیل بخواند، بلکه دوست دارم درست تربیت بشود. این امر موجب شد آن دو فرزند به تدریج به اسلام و تشیع گرایش پیدا کنند و بعد هم پدر مسلمان شد و در ادامه، تعدادی از بستگان آنها هم در این چند سال به اسلام علاقه مند شدند و پرسشهایی در مورد اسلام مطرح می‌کردند.

این نکته را هم خدمت دوستان بگویم، کسانی که از دیگر ادیان و عقاید به اسلام گرایش پیدا می‌کنند، از مسلمانزاده‌ها به آداب اسلامی (از جمله رعایت حجاب و عفت اسلامی)، پایبندتر هستند. روزی با یک دختر خانم اهل مکزیک که تازه مسلمان شده بود، روبه‌رو شدم که در هنگام سخنرانی من اشکهای او جاری بود؛ می‌گفت پدر بزرگ من کاتولیک است و در مکزیک در ۸۲ سالگی به سبب بیماری در بیمارستانی بستری است. دیروز که با تلفن با او صحبت می‌کردم، به مادرم گفتم دستت را روی سینه‌اش بگذار و من چیزی می‌خوانم با من بخوان؛ من همین آیه ﴿الَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ را که شما گفتید، خواندم؛ بعد از چهار ساعت دکترها گفتند چه تحوّل‌ی در این بیمار رخ داده که هفتاد درصد بیماری او بهبود پیدا کرده است!

ما باید به این مسئله بیندیشیم که چگونه می‌توانیم از این سرمایه‌های بزرگ بهره‌برداری کنیم.

من یک نکته مهم را برای شما بگویم که ما از

فضای باز سیاسی که از اصول و مسائل اساسی زندگی آنهاست، بیشترین استفاده را می‌بریم؛ مثلاً برای دو سال یک ماهواره اجاره کرده بودیم و از آنجا برای تمام اروپا و آفریقا برنامه پخش می‌کردیم. این جریان تأثیرات بسیار داشت و هنوز هم درخواستهای زیادی برای پخش مجدد ارسال می‌شود، ولی فعلاً به دلیل مشکلات مالی متوقف شده است.

### اولویتها و چالشها در پژوهش و تحقیق

یکی از زمینه‌هایی که دوستان عزیز در آن کار کرده‌اند، مسئله تحقیق در متون قدیم است که بحث می‌شود مثلاً فلان جمله در نسخه اصل موجود بوده یا نه. از مسائل مهم در تحقیق این است تا جایی که امکان دارد باید به دنبال منابع اصیل و نسخه‌های اصل برویم. گاهی دیده شده که به یک یا دو نسخه اکتفا می‌شود که با زمان مؤلف فاصله دوری دارد؛ مثلاً اگر قرار شد در اصول کافی تحقیق کنیم، باید به نسخه‌ای که به خط یکی از شاگردان مرحوم کلینی نوشته شده و ایشان خودش مقابله و تأیید کرده مراجعه کنیم که در کتابخانه راجا در محمودآباد هند بوده و از آنجا به کربلا منتقل شده و مرحوم آیه‌الله میلانی هم این نسخه را دیده بودند و بعد هم به مکتبه‌الآثار در بغداد برده شد.

اکتفا کردن به یک نسخه اصلی - که مثلاً در کتابخانه آستان قدس موجود است - برای یک محقق کافی نیست.

در پژوهش‌های علمی تا جایی که امکان دارد، برای هر جمله و برای هر سطر مدرک آن در پاورقی ذکر شود. در اینجا نظر شما را به کتاب اندیشه‌های کلامی علامه حلّی که توسط بنیاد با ترجمه آقای احمد نمایی منتشر شده، جلب می‌کنم. در این کتاب در هر سطر، یک ارجاع وجود دارد. البته فرصت جست‌وجو هم از شرایط پژوهش است

خوب است یادآور شویم از جمله مواردی که برای دوستان بنیاد مفید است اینکه در ایرلند در شهر دوبلین کتابخانه‌ای وجود دارد به نام چستیر بیٹی که مجموعه مخطوطات در آنجا نگهداری می‌شود. بعضی از نسخه‌های خطی خیلی مهم در آنجا هست که گاهی مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث قم، از ما می‌خواهند نسخه‌ای از کتاب مورد نظر را برای آنها بفرستیم. چون اگر یک مؤسسه علمی، نسخه‌ای را درخواست بکند به راحتی در اختیار می‌گذارند.

در بین کتابهایی که در یمن بوده و آقای سید احمد حسینی اشکوری روی آنها کار کرده و مقداری فهرست‌برداری انجام داده‌اند، منابع قدیم وجود دارد. به طور اختصار می‌گویم در زمینه تحقیق مخطوطات، نباید به چند نسخه‌ای که در دسترس است بسنده شود، بلکه اگر مستلزم مسافرت هم بود و کار تحقیق به تأخیر هم بیفتد، تا به نسخه‌های اصل تر دست پیدا کنند، ارزش دارد این کار را انجام بدهید.

نکته دوم؛ در پژوهش‌های علمی تا جایی که امکان دارد، برای هر جمله و برای هر سطر مدرک آن در پاورقی ذکر شود. در اینجا نظر شما را به کتاب اندیشه‌های کلامی علامه حلّی که توسط بنیاد با ترجمه آقای احمد نمایی منتشر شده، جلب می‌کنم. در این کتاب در هر سطر، یک ارجاع وجود دارد. البته حوصله و فرصت جست‌وجو هم از شرایط مهم کار پژوهش است. تمیز دادن بین اینکه فلان مطلب جزء متن

اصلی بوده و یا به آن اضافه شده، یکی دیگر از کارهای اساسی پژوهش است؛ به عنوان مثال یکی از خطبه‌های معروف آقا امیر المؤمنین (علیه السلام) که در مورد خلیفه دوم است و همیشه منشأ اشکال بوده که چگونه ایشان درباره او می‌فرمایند: «ذهب نقي الثوب و احیی السنّة و اّماّت البدعة»<sup>۱</sup>!

مرحوم میرزا حبیب الله خویی در منهاج البراعة در توجیه این مسئله می‌گوید: این جملات برای به‌دست آوردن دل آنها بوده است؛

۱ - خطبة ۲۱۹ نهج‌البلاغه (محمّد علی انصاری) و خطبة ۲۲۸ صبحی صالح.

اما یک محقق وقتی متن را نگاه می‌کند، متوجه می‌شود که یک قسمت از فرمایش امام علیه السلام است، ولی یک قسمت سخن شخص دیگری بوده، اینجاست که محقق اقتباس را از اضافه تمیز خواهد داد. قضیه از این قرار است: وقتی علیه السلام مطلع می‌شوند که نائحه بنت ابی حطمة در نوحه‌خوانی برای خلیفه دوم گفته: «احیی السنه امان البدعة ذهب نقی الثوب»، ایشان با تعجب سؤال می‌فرمایند: «احیی السنه امان البدعة ذهب نقی الثوب»؛ این سخن در واقع جواب و تعلیق و اعتراض به نائحه بنت ابی حطمة است؛ لذا در ادامه می‌فرمایند: «رَحَلَ وَ تَرَكَهُمْ فِي طُرُقٍ مَتَشَعِبَةٍ لَا يَهْتَدِي بِهَا الضَّالُّ وَ لَا يَسْتَقِيمَنَّ بِهَا الْمَهْتَدِي».

نظایر این موارد زیاد است که اقتضا می‌کند محقق قدرت تشخیص متن اصلی از اقتباس یا اضافه را داشته باشد.

در مورد حوصله در امر تحقیق خوب است اشاره کنم تا مدتی قبل، کتاب العین خلیل که به حسب ظاهر اولین کتاب لغت عرب است، مفقود بود و همه اعتراف می‌کردند که به آن دسترسی نداریم. خلیل کسی است که درباره امام علیه السلام می‌گوید: «استغناؤه عن الكل و احتیاج الكل الیه دلیل علی انه امام الكل فی الكل» و به حسب ظاهر، اولین کسی است که نقطه‌گذاری قرآن را شروع کرده. شما اگر به تفسیر تبیان شیخ طوسی مراجعه کنید، خواهید دید ایشان در استدلال بحثهای لغوی می‌گوید: قاله الخلیل فی

العین؛ اگر حوصله کنید و تمام ده جلد تبیان را مطالعه کنید و موارد استدلال شیخ را به کتاب العین استخراج نمایید و این موارد را با نسخه پیدا شده العین مقایسه کنید، اگر هشتاد درصد هم تقابل نسخ باشد، قابل قبول است.

این مطلبی بود درباره روش و جزئیاتی که در مسئله تحقیق لازم است.

### اولویتهای پژوهش

آیا اولویت این است که مثلاً عبات الانوار چاپ سنگی سید حامد حسین را تحقیق بکنیم، یا موارد دیگری هست که ضرورت بیشتری دارد؟ ببینید ما الآن در برابر تهاجم فرهنگی قرار گرفته‌ایم؛ متأسفانه سطح دفاع مذهبی در خیلی از موارد افت کرده است. امروز یکی از مسائلی که دنیا را به خود مشغول کرده، مطالعه درباره نگاه اسلام به لزوم اسلام آوردن غیر مسلمانان است. گر چه من اصلاً از کار سیاسی خوشم نمی‌آید، ولی به عنوان مثال ما الآن در مورد مسئله تروریسم به شدت موضع‌گیری می‌کنیم و عقیده داریم اسلام هرگز از این پدیده حمایت نمی‌کند؛ اما وقتی در یک کنفرانس و همایشی آیات قتال را یکی پس از دیگری ردیف می‌کنیم و اینکه همه انسانها باید مسلمان بشوند و اگر این اتفاق صورت نگیرد، باید از دم تیغ بگذرند، آیا این مسئله با دفاع ما در برابر صلح‌طلبی اسلام، هماهنگی دارد؟ و آیا ما طرح درست و حسابی که همه اجزای آن همخوانی داشته باشند، داریم یا نداریم؟ اگر داریم باید ارائه کنیم و اگر نداریم،

گمان می‌رود یکی از اولویتهای پژوهشی همین نگاه اسلام در تقسیم دنیا به دو منطقه دارالحرب و دارالاسلام یعنی چه؟ و اینکه هر کجا که دارالاسلام نباشد دارالحرب باشد حتماً آنها کافر حربی هستند و در نتیجه اموال و خون آنها مباح می‌باشد. این نکات قابل بررسی است.

سوگمندان باید بگویم دو تا خانم پناهنده عراقی را در کانادا به اتهام برداشتن کالایی از یک مغازه بدون پرداخت وجه آن دستگیر کرده بودند، وکیل آنان اصرار می‌کرد بهتر است شما اعتراف کنید تا جرمتان کمتر شود، ولی آنها در تلویزیون با حجاب ظاهر شدند و گفتند اسلام به ما اجازه داده که مال غیر مسلمانان را غارت کنید؛ شما محترم نیستید و ما هیچ گناهی مرتکب نشده‌ایم!

ببینید چه تهمت و تصویر ناروا و نادرستی از مجموعه فرهنگ اسلام در تلویزیون کانادا ارائه می‌شود و ما هر چه داد بزنیم، کنفرانس تشکیل بدهیم که اینها از ما نیستند، این حرکت تأثیر خودش را گذاشته است.

این تصوّر که غیر مسلمانان احترام و ارزش ندارند و مال آنها حلال و خونشان مباح می‌باشد، جداً قابل بررسی است؛ یعنی اگر قرار باشد کار پژوهشی بکنیم و ساعتها در این بنیاد بنشینیم و در ادله و مبانی غور کنیم و عبارات فقها را تجزیه و تحلیل نماییم، سزاوار است در این گونه موارد یک پژوهش و تحقیق اساسی صورت گیرد.

البته یکی از فقهای بزرگ (آیه‌الله سیستانی)

عقیده دارند که پر کردن فرم برای درخواست ویزا و پناهندگی، مساوی با عفو است و مورد، از ذمی و حربی بودن می‌گذرد و وارد در معاهدون می‌شود و ما وظیفه داریم به شروط عهد عمل کنیم و یکی از شروط، احترام گذاشتن به قوانین آن کشور است.

خلاصه اینکه تجربیات بنده در برخورد با گروهها و فرهنگهای گوناگون نشان می‌دهد که ضرورت دارد پیرامون موضوعاتی از دارالحرب و دارالاسلام بحثهای تحقیقی صورت گیرد که آیا امکان دارد چیزی میان این دو داشته باشیم؛ یعنی تقسیم ثلاثی را بپذیریم: دارالحرب، دارالاسلام و یک چیزی نه این و نه آن. بله کشور اسرائیل در حال جنگ حقیقی با مسلمانان است؛

اما کشوری را که نه جنگ می‌کند و نه نقشه جنگ دارد و لو اینکه در باطن ممکن است طرح جنگ داشته باشد، نمی‌توان دارالحرب نامید؟ پیامبر ﷺ در یکی از جنگها یکی از مجاهدان را دیدند که شمشیر در آورد و یک نفر را که در آن لحظه آخر، شهادتین را به زبان جاری کرد، کشت. پیامبر فرمود: چرا این کار را کردی، مگر نمی‌دانی با جاری کردن شهادتین خون و مالش محترم می‌باشد؟

آن شخص اظهار کرد این شهادت از روی اجبار بود. حضرت فرمود: «أَفَلَا شَقَقْتَ قَلْبَهُ؟» آیا تو می‌خواستی دل او را بشکافی؟ در واقع می‌خواهند بفرمایند ما به ظاهر مسؤولیت داریم.

این یکی از موضوعات پژوهش روزآمد است که می‌توان اسم آن را حقوق بین‌الملل اسلامی یا فقه در رویارویی با کشورهای غیر اسلامی گذاشت.

نکته دیگر اینکه در جریان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مسائل تازه‌ای در باب فقه مطرح شده و می‌شود که فرصتهای خوبی برای پژوهش فراهم آورده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به مسئله ربا و ارزش مالی اشاره کرد. مثلاً اگر شخصی در چهل سال پیش مبلغ هزار دینار عراقی بدهکار بود، الآن که می‌خواهد پرداخت کند، آیا باید به همان میزان تأدیه نماید و اگر طلبکار بیشتر مطالبه کند، ربا محسوب خواهد شد؟ خوب خوشبختانه اینها مورد بحث و کاوش علمی قرار گرفته است و حتی شنیدم در دوره ششم مجلس شورای اسلامی این مسئله

تصویب شده که باید ارزش واقعی آن زمان را در نظر بگیرند، ولی هنوز به صورت شایسته موضوع روشن نشده است که مبنای فقهی این قضیه چیست؟

من سه سال پیش هم در محضر آیه‌الله میرزا جواد آقا تبریزی در قم این مسئله را مطرح کردم. به هر حال این فقه ما است و جای این سؤال است که آیا نظر شرع از تحریم ربا این بوده که در این صورت هم که زمانی از تأدیه دین گذشته اگر مطالبه زیاده بشود، باز هم ربا حرام است؛ گرچه راه ساده آن صلح می‌باشد، ولی همیشه قضایا به سازش منجر نمی‌شود. وانگهی برای نشان دادن طرز تفکر فقهی، صلح جایگاهی ندارد. ما باید ضابطه‌مند و قانونمند حرف بزنیم. به هر حال گمان می‌کنم بررسی این گونه مسائل ضرورت فوری دارد.

در پایان لازم است عرض کنم باید قدر این فرصت پیش آمده و این امکانات فراهم شده تحت عنوان بنیاد پژوهشهای اسلامی را بدانیم. حاج آقای الهی به خاطر دارند ما با چه مشکلاتی مدرسه عالی حسینی را اداره می‌کردیم؛ و حتی آن صندوق قرض‌الحسنه را که البته خاطره بسیار به یاد ماندنی است و چه افراد زیادی از طلاب فاضل مشهد از همین طریق صاحب خانه شدند؛ با این همه با انبوهی از مشکلات سیاسی و غیر سیاسی روبه‌رو بودیم؛ اما در شرایط حاضر، این بنیاد و کارهای آن مایه افتخار است که همه اینها از برکات انقلاب اسلامی به شمار می‌آید و آیه‌ای است از صرف درآمدهای آستان قدس در مسیر درست و واقعی آن. از تصدیق اوقات

سروران عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم توفیق خدمتی شایان نسبت به فرهنگ خودمان، نصیب همه ما شود.

\*\*\*

### پرسشها

س - در مورد موضوعات کلام جدید و راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب چه می‌فرمایید؟

استاد: کلام جدید با کلام قدیم در پاره‌ای از جهات مشترک است و در برخی از موارد، تفاوت‌های زیادی دارد. اصول اولیه کلام جدید و قدیم همان توحید، نبوت، امامت، معاد و عدل و مسائلی از قبیل جبر و اختیار، قضا و قدر، معاد جسمانی یا روحانی است و اینها مشترک بین این دو کلام می‌باشد، اما در مورد کلام جدید تصوّر من این است که این دانش مخلوطی از عرفان، کلام قدیم و فلسفه است؛ یعنی با طرح قسمتی از مسائل فلسفی و عرفانی در کلام، نوع جدیدی از کلام به وجود می‌آید؛ مثلاً اصول فلسفه و روش رئالیسم با پاورقیهای مرحوم مطهری، گر چه در ردیف مسائل فلسفی قرار دارد، ولی در کلام جدید بهره‌برداری زیادی از آن می‌شود. حتی در مسائلی مانند آزادی اراده و جبر و تفویض، نوع بررسی و بحث قدما باروش کلام جدید متفاوت است. در کلام جدید، بیشتر به مسائل عملی و تطبیقی و آنچه به زندگی انسانها مربوط می‌شود، پرداخته می‌شود؛ البته جای این پرسش باقی هست که آیا مثلاً در باب جبر و اختیار که می‌گویند انسان اختیار کامل

دارد، این اختیار را چه کسی به او داده. اگر قرار شد خدا داده باشد، این منجر به عدم اختیار نخواهد شد؟ چنین مسائلی در کلام قدیم کمتر مطرح بوده است. یادمان باشد در تهاجم فرهنگی گاهی اصل نیاز به دین و حکومت مستند به دین مورد سؤال قرار می‌گیرد. اخیراً یکی از شخصیت‌های بزرگ در دانشگاه لندن در تلویزیون اصرار می‌کرد درس الحاد هم باید در دبیرستانها تدریس شود؛ که در این خصوص کشیش‌ها حرف زدند و با هم یک میزگرد در تلویزیون تشکیل دادیم و با اینکه بینندگان داوری کرده بودند که حرفهای شما مستندتر بوده؛ اما آن شخص هنوز اصرار می‌ورزید که باید این مسئله پیگیری شود و مردم در کنار درس دین، درس الحاد هم فرا بگیرند و بعد انتخاب به عهده خود آنها باشد.

س - در حوزه کلام مقارن و اختلافات مذهبی بین شیعه و عامه و وهابیت، در اروپا چه اولویتهای پژوهشی وجود دارد؟  
استاد - این مسئله یک مقدار وظیفه‌ها را سنگین می‌کند. در آنجا روزهای یکشنبه جلساتی را راه‌اندازی کردیم که چهل تا پنجاه نفر به مدت دو ساعت در آن شرکت می‌کنند و به زبان انگلیسی در مورد مسائل عمده کلامی مربوط به وهابیت و عامه بحثهایی مطرح می‌شود. هدف این است که افراد جلسه به گونه‌ای تربیت بشوند تا بتوانند در برابر شبهات پاسخگو باشند.

در مورد اولویتهای پژوهشی به نظر می‌رسد باید به مسائل میان‌بر پرداخته شود؛ به عنوان

مثال، یک وقتی دو نفر وهابی متعصب با من بحث می‌کردند که چرا شما با صحابه میانه خوبی ندارید؟ من گفتم این چنین نیست؛ اتفاقاً کتاب صحیح بخاری کنار دستم بود؛ باز کردم باب الحوض آمد. گفتم اینجا که حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: من کنار حوض هستم: «...إِنِّي عَلَى الْحَوْضِ حَتَّى أَنْظُرَ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكُمْ وَ سَيُؤْخَذُ نَاسٌ مِنْ دُونِي. فَاقُولُ: يَا رَبِّ مَنْ مَنَى وَ مِنْ أُمَّتِي، فَيَقَالُ: هَلْ شَعَرْتَ مَا عَمَلُوا بَعْدَكَ...»<sup>۱</sup>.

به آنها گفتم: شما از این سخن چه استفاده می‌کنید؟

گفتند: کسی را معین نمی‌کند.

گفتم: آیا این کلام جواب سؤال شما را

می‌دهد یا نه؟

گفتند: ممکن است تعداد کمی به آتش بروند.

گفتم: می‌فرمایند: «فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ

الْأَمْلُ هَمَلُ النَّعْمِ»<sup>۲</sup>. همل النعم یعنی چندتایی که از گله و قافله عقب افتاده‌اند سالم می‌مانند.

می‌خواستند بیشتر بحث کنند که باز کتاب تفسیر قرآن سوره حمد را باز کردم که بخاری در ذیل یکی از آیات سوره جمعه نقل می‌کند: پیامبر ﷺ مشغول خطبه خواندن بودند که صدایی مردم را به تجارت فرا می‌خواند. همگی نماز را ترک کردند مگر دوازده نفر<sup>۳</sup>....

مورد دیگر هم مثلاً جریان مناظره حضرت فاطمه عليها السلام با عمر است که یک وقتی یکی از علمای لبنان نسبت به جریان حمله عمر به خانه ایشان تشکیک کرد و بحثهایی هم انجام شد، ولی شما در کتاب انساب الاشراف بلاذری، می‌بینید صدیقه طاهره عليها السلام به خلیفه دوم

می‌فرمایند: یا ابن الخطاب اتراک محرَقاً علی بابی؟

تو می‌خواهی خانه من را آتش بزنی؟

عمر می‌گوید: «نعم و ذلک اقوی فیما جاء ابوک»<sup>۴</sup>؛ یعنی من این کار را برای تقویت دین پدرت می‌کنم.

بنابراین در برابر یک وهابی، این‌گونه دفاع کنید؛ لازم نیست وارد جزئیات بشوید که مثلاً خانه حضرت فاطمه عليها السلام آن زمان چگونه بوده؟ در داشته، و دارای میخ بوده یا نه؟ بلکه باید به مسائلی استناد کنید که قطعی الوقوع است، مانند اصل حمله عمر به خانه صدیقه طاهره عليها السلام.

س - آیا بین تبلیغات ما شیعیان، و آنها موازنه وجود دارد؟

استاد - خوشبختانه عرض می‌کنم فعالیت‌های تبلیغی ما در اروپا، به حدی است که تحرکات وهابیون را واقعاً خنثی می‌کند. شاهد آن اینکه ما یک مورد نداریم شیعه‌ای آگاهانه به آنها گرایش پیدا کرده باشد؛ در مقابل ده‌هزار نمونه افرادی داریم که از مذهب عامه و حتی وهابیت، به شیعه متمایل شده‌اند و رسماً این مذهب را پذیرفته‌اند.

①

۱ - صحیح بخاری، ج ۷، ص ۲۰۸.

۲ - همان، ج ۷، ص ۲۰۹-۲۰۸.

۳ - همان، ذیل تفسیر آیه ﴿وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً...﴾.

۴ - بلاذری، انساب الاشراف، دارالفکر لبنان، چاپ اول:

ج ۲، ص ۷۷۰.